

## حکم توهین کنندگان به مقدسات در مذاهب اهل تسنن

محمدباقر بصیر<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از جرایمی که در فقه و حقوق موضوعه، همواره مطرح بوده و در سال های اخیر به لحاظ این که علاوه بر جنبه های حقوقی، ابعاد سیاسی نیز به خود گرفته و حتی پیرامون آن پرسش هایی از سوی افراد غیر متخصص نیز به دنبال داشته است، جرم توهین به مقدسات است. غالب فقهای اهل سنت در آثار فقهی خود، در موضوع سب النبی که از مصادیق عمده اهانت به مقدسات است، به این بحث پرداخته اند، برخی در فصل حدود، و برخی نیز در پایان بحث قصاص. اهانت به مقدسات، از منظر فقها چه فقهای شیعی و چه فقهای اهل سنت، مفهوم آن دارای ابهام است و تنها راه ابهام زدایی از این عنوان مجرمانه، بررسی مبانی فقهی آن است، که این مقاله در نظر دارد با کنکاش در منابع معتبر اهل سنت، قدر جامع هر یک از این مذاهب را در خصوص این جرم، مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** مجازات، توهین به مقدسات، فقه، اهل تسنن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

در جوامع مختلف، ارزش‌های مهمی وجود دارند، که حکومت‌ها از طریق وضع قوانین آن‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهند، و در صورت نقض آن‌ها، مجازات‌هایی پیش بینی و اجرا می‌گردد. بر این مبنا میزان مجازات بر اساس میزان لطمه‌ای، که جرم مورد نظر به جامعه وارد می‌کند، تعیین می‌شود (بصیر، ۱۳۹۱، ۲۶).

از سوی دیگر، انسان موجودی اجتماعی است و از آغاز حیات شاهد شکل‌گیری جامعه انسانی بوده است. این جوامع، در طی حیات خویش، ارزش‌های بسیاری را با اهمیت‌های متفاوت، ایجاد و از آن دفاع نموده‌اند. حمایت از پدیده‌های مورد احترام مردم، دارای سنتی به دیرینگی انسان است. به دیگر سخن؛ اندیشمندان و بزرگان ملل و نحل مختلف، در طی زمان با وضع قوانین از مقدسات مردم دفاع و حمایت کرده‌اند، تا در پرتو ارزش‌های حاکم بر جامعه مسیر تعالی یا سعادت و یا نظم و آرامش را طی نمایند (رهايي، ۱۳۸۹، ۴۴).

مقوله اهانت به مقدسات، از جرایمی است که بشر در طول تاریخ با آن روبرو بوده، و در هر زمان، مجازات‌ها و نحوه برخورد با آن، متفاوت بوده است، این موضوع عمری به قدمت زندگی بشر دارد؛ زیرا در هر زمانی، موضوعات، پدیده‌ها، اشیا و مکان‌هایی بوده‌اند، که مورد احترام شدید افراد بوده‌اند و انسان‌ها به دلیل ارزشمندی مقدسات جان خود را بر سر دفاع یا در ازای اهانت به آن‌ها گذاشته‌اند.

علی‌رغم گسترش این پدیده شوم در سطح جهانی و به بهانه‌های مختلف، هنوز خواستگاه فقهی این مسئله و احکام و مصادیق آن در مذاهب پنج‌گانه به نظر ما به صورت دقیق تبیین نشده است. قضاات نیز، به دستور اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی تکلیف دارند، در مواردی که قانون موضوعه ساکت است، به منابع شرعی مراجعه کنند. از آن جا که به دست آوردن مقررات مختلف این مسئله از منابع شرعی برای همه قضاات امکان‌پذیر نیست، بنابراین، تحقیقی مبسوط در این زمینه ضروری است، تا راهنمای حقوق دانان و به خصوص قضاات محترم باشد و نیز خواستگاه فقهی این جرم به طور دقیق، مبرهن و مشخص گردد.

## ۱- مفاهیم

## ۱-۱- مفهوم لغوی سبّ

دهخدا در لغت نامه خود، در ذیل کلمه سبّ می‌نویسد: سبّ، سبب [ع مص]، دشنام دادن، دشنام، سبّ، سبب، مرد بسیار دشنام دهنده، دهار. سبّ - (س ب ب) سقط، سقم، شبه، شنطره، شواظ، طلاء، عار، علق، فحش، همه به یک معنی می‌باشند (دهخدا، ۱۳۷۲، ۲۴).

## ۲-۱- مفهوم اصطلاحی سبّ

در اصطلاح سبّ (به فتح اول و تشدید ثانی) در فقه از جرایم ضد شرف است و عبارت است از ناسزا گفتن و اخص از توهین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ۳۵۲).

سیره نبی مکرم اسلام (صلی الله و علیه و آله و سلم) و معصومین (علیهم السلام) نشان‌گر آن است که در نظر آنان؛ سبّ و شتم و ناسزاگویی، کار زشت و مذموم و خلق و خوی جاهلی شناخته شده و نشان می‌دهد، که این بزرگواران در طول زندگی و سیره پر بارشان، به اصلاح فرد و جامعه هر همه ابعاد به خصوص از این حیث پرداخته‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۵، ۱۳۷۴، ۳۹۵).

## ۳-۱- توهین

به دلالت آن‌چه در فرهنگ لغت دهخدا، در ذیل واژه اهانت آمده است: «اهانت، یعنی سبک داشتن کسی را، خوار و ذلیل گردانیدن، حقیر و سبک داشتن کسی را و خواری کردن و با لفظ کشیدن و کردن، مستعمل است. خوار کردن، حقیر داشتن، سبک داشت، حقیر شمردن، خوار داشتن، خوار گرفتن، توهین، تحقیر، استخفاف، اهانه، حقارت، تحقیر، خواری، ذلت، سبک داشت.» در همین کتاب، در ذیل واژه توهین می‌خوانیم: توهین: ع مص. سست کردن، دهار، سست گردانیدن، ضعیف گردانیدن، خوار کردن، خوار شمردن، خوار داشت، ضعیف و سست شمردن، حقیر و سبک داشتن، سبک داشت (دهخدا، ۱۱۴۸، ۱۳۷۲).

در ذیل همین واژه به نقل از فرهنگ فارسی عمید می‌خوانیم: «توهین که معمولاً برای استخفاف و کوچک شمردن استعمال می‌شود، در لغت به معنی ضعیف ساختن است و در زبان عربی به جای آن اهانت گویند. خواری و زبونی و ناتوانی و سستی، توقیر من به تحقیر و تعظیم به توهین بدل گردد.» (عمید، ۶۴۲، ۱۳۶۰).

نیز در فرهنگ فارسی معین در ذیل این واژه آمده است: «توهین از لحاظ لغت از ریشه «وهن» گرفته شده، واژه وهن به معنای سستی است و توهین به معنی سست کردن، ضعیف کردن، خوار کردن، خوار شمردن، حقیر و سبک داشتن و خواری و ضعف می‌باشد» (معین، ج ۱، ۱۳۶۴، ۱۱۷۱). توهین، که غالباً به صورت حضوری است و موارد غیابی آن خیلی اندک است و در اصطلاح قضایی، نسبت دادن هر فعل و ترک فعلی است، که عرفاً مخالف حیثیت و احترام طرف تلقی گردد. عنوان توهین یک عنوان کلی است و فحاشی یکی از مصادیق آن است.

هر چند برخی از حقوقدانان ادعا کرده‌اند، که کلمه توهین به قدری کش دار است که نمی‌توان آن را تعریف نمود و باید با توجه به مقام، اوضاع و احوال، موهن بودن عمل را تشخیص داد (قدسی و کوهیان افضل دهکردی، ۱۳۸۸، ۱۸۱).

به دلالت آن‌چه، آقای لنگرودی، در کتاب ترمینولوژی حقوق، در معنای اصطلاحی توهین نوشته است: «توهین یا اهانت کاری است، که متضمن اسناد و اخبار نبوده و به نحوی از انحاء در

حیثیت فرد متضرر، از این جرم نوعی وهن وارد کند». بنابراین در توهین، الفاظی که به حیثیت طرف لطمه وارد می‌کند، به کار می‌رود. بعضی الفاظ ذاتاً موهن نیستند، ولی طرز تلفظ آن‌ها موهن است، و یا بعضی الفاظ در بعضی از ازمه و امکنه موهن است. با ملاحظه شخصیت طرف جرم، باید موهن بودن لفظ یا عمل محرز گردد. توهین در حقوق جزا عبارت است از: کوچک کردن کسی، از طریق کلمات یا اعمالی که سوء ادب شخص تلقی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ۱۸۱).

#### ۴-۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی مقدس

کلماتی نظیر مقدّس، قدسی و تقدّس از کلمات و اصطلاحات کلیدی در ادیان و در مباحث مربوط به دین پژوهی است. از آن جا که ریشه موضوعی این پایان نامه، محور مقدسات است، لازم است که کلمه مقدس، از منظر لغوی، مفهومی و اصطلاحی، مورد بررسی و تأمل قرار گیرد. واژه مقدسات، جمع کل «مقدسه» می‌باشد، که این لفظ خود تأنیث «مقدس» است و مصدر آن کلمه «قدس» می‌باشد.

کلمه قدس را در معنای مصدری آن، به طهارت، پاکیزگی و برکت نیز معنا کرده- اند (دهخدا، ۱۳۲۴، ۱۳۷۲).

در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های فارسی، این معانی برای لفظ مقدس ذکر شده است:

- پاک، پاکیزه، منزه (عمید، ۱۳۳۷، ۱۳۶۰).

- مرد خدا که از منهیات بپرهیزد، پارسا.

- آن چه از نظر دینی، مورد توجه و تقدیس قرار گیرد (معین، ج ۲۹، ۱۳۶۴، ۱).

احترام. [ا] ت [ع مص] حرمت داشتن، بزرگ داشتن، بزرگ داشت، پاس، توقیر.

احترام کردن، حرمت کردن، توقیر، بزرگ داشتن (بصیر، ۱۳۹۱، ۱۹).

کلمه «مقدّس» در زبان عربی از ریشه «مقدس» و «قداسه» مشتق شده و به معنای پاکی و منزه بودن از عیب و نقص و ناپاکی و ماده است، و به معنای برکت و مبارک نیز آمده است (انیس و همکاران، ۱۳۷۴، ۵۵). به تعبیری می‌توان گفت، در زبان عربی نیز قدسی بودن به معنای مینوی، آسمانی و غیرمادی بودن در مقابل دنیوی و مادی بودن است. اصطلاح مقدس و قدسی، معمولاً در تعریف دین، به معنای جوهر و درون مایه اصلی دین آورده می‌شوند (بصیر، ۱۳۹۱، ۲۰).

مفهوم اصطلاحی مقدّس، به معنی لغوی آن نزدیک می‌باشد، و منظور از آن: کلیه اشخاص، اشیاء، امکنه و ازمه که دارای ارزش معنوی طهارت هستند و تکریم و تعظیم آن‌ها شایسته است. به عبارت دیگر، یک حرمت ویژه‌ای که ریشه در حقیقت دارد، آن‌ها را احاطه کرده است. این حرمت از سنخ وهم، خیال و خرافه که مبنای قداست، تابو یا توتم است، به دور می‌باشد (مرجانی، ۱۳۸۶، ۱۹۱).

## ۲- حکم سبّ الله

### ۱- ۲- حکم سبّ الله از دیدگاه شافعی

ابن منذر از علمای معروف فرموده: «اهل علم، اجماع نموده در این که حد دشنام دهنده بر خدا و پیامبر کشتن است؛ زیرا دشنام دهنده کافر است. عقیده رییس مذهب شافعی نیز همین است (ابن تیمیه، ۶۰، ۱۴۰۶).

### ۲- ۲- حکم سبّ الله از دیدگاه حنفی

حنفی‌ها، انکار ضروری دین، مانند حج و روزه و هم‌چنین سجده بر بت و یا انداختن قرآن در کثافات و انکار پیامبران الهی یا آیه‌ای از قرآن و سبّ دین اسلام را موجب ثبوت ارتداد می‌دانند (جزیری، ۱۴۱۹، ۲۰۲).

در الذخیره آمده است که: «هر کس خداوند را سبّ نماید از مسلمین اگر باشد، باید کشته شود و توبه‌اش مقبول نیست. ولی اگر از اهل یهود و نصارا باشد از اهل ذمه خارج می‌شود و کشته می‌شود» (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۲۰۵).

در کتاب حاشیه ردالمختار آمده است: «و لو سبّ الله تعالی قتلت لانه حق الله تعالی» (ابن عابدین، بی تا، ج ۴، ۴۷۷). سبّ خداوند حکمش قتل است ولی اگر توبه نماید پذیرفته می‌شود چون حق الله است.

در حاشیه الخرشیه آمده است: «و سبّ الله کذالک»؛ یعنی سبّ خداوند، مانند سبّ پیامبر (ص) است و صراحت سبّ خداوند، مانند صراحت سبّ پیامبر (ص) است. و آن چه در خصوص قتل و توبه سبّ النبی گفته می‌شود، در این جا نیز جاری است (الخرشی، بی تا، ۲۷۶).

صاحب کتاب الصارم المسلول در فصل فی سبّ الله تعالی می‌گوید: «فان کان مسلماً و جب قتله با لاجماع لانه بذالک کافر مرتد...» ایشان در خصوص مسلمان، ادعای اجماع می‌نماید و می‌گوید «وی کافر و مرتد می‌گردد» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۱۱۷).

### ۳- ۲- حکم سبّ الله از دیدگاه مالکی

صاحب الکافی معتقد است: «هر کس به خداوند ناسزا بگوید، اگر مسلمان باشد، بدون توبه و اگر ذمی باشد، در صورتی که مسلمان نشود، کشته می‌شود» (ابن عبدالبرفری، بی تا، ۵۸۴).

صاحب الذخیره می‌گوید: «الخامسه. قال مالک من سبّ الله او النبی (ص) ... من المسلمین قتل و لم یستب» (القرآنی، بی تا، ج ۱۳، ۱۸).

### ۴- ۲- حکم سبّ الله از دیدگاه حنبلی

در شرح زرکشی آمده است: «و اما فیمن سبّ الله سبحان فالقیاس علی سبّ رسول الله (ص) به طریق اولی» سبّ الله نیز به قتل می‌رسد (زرکشی المصری حنبلی، بی تا، ج ۶، ۳۱۹).

در الروض المربع پس از بیان سبّ الله می‌گوید: «لا تقبل فی الدنيا توبه سبّ الله او سبّ الرسول ...» توبه سبّ الله و سبّ النبی پذیرفته نمی‌شود (منصور ابن یونس البحرینی الحنبلی، بی تا، ۵۶۲).

### ۳- حکم سبّ النبی

یکی از قوانین مسلم فقه مذاهب اسلامی، لزوم مجازات کسی است که ناسزا و کلمات زشت و اهانت آمیز نسبت به خاتم انبیاء، حضرت محمد (ص) بگوید، کسی که بی‌مهابه، پاک‌ترین و مهربان‌ترین و دلسوزترین مصلح تاریخ، که تمام هستی‌اش وقف خدمت و ارشاد به بشریت کرده بود، به باد استهزا و اهانت بگیرد و با در هم شکستن شخصیت زیباترین الگوی انسانیت، جامعه بشریت را محروم از راهبر نماید، پاداشی جز مرگ نخواهد داشت (بصیر، ۱۳۷، ۱۳۹۱).

شیخ الاسلام ابن تیمیه، در مقدمه کتاب خود به نام «رَفْعُ الملام عن الاثمه الاعلام» می‌نویسد: «همان‌گونه که قرآن بیان داشته، بر مسلمانان واجب است که در دل محبت و ولای خداوند متعال، رسول گرامی، مؤمنان و به ویژه مؤمنان عالمی، که به عنوان وارثان انبیا به شمار می‌آیند، داشته باشند.» (قرضاوی، ۱۳۸۴، ۳۹۲).

### ۱- ۳- حکم سبّ النبی از دیدگاه شافعی

علمای مذهب شافعی معتقدند: «سبّ پیامبر موجب ارتداد است که به عنوان قطع رابطه با اسلام تعریف شده است. این قطع رابطه می‌تواند نیت یا سخن کفرآمیز و یا عمل سوء باشد و همه این موارد ممکن است از روی استهزا یا دشمنی یا عناد یا به لحاظ اعتقادی صورت گیرد و غیره.» رافعی، موجبات مرتد را بر شمرده: «اگر پیامبری از پیامبران را دشنام دهد، یا آن را تحقیر کند» (عبدالناصر، بی تا، ۳۵۲).

در کتاب فتح الباری آمده است که: «ابوبکر فارسی که یکی از ائمه شافعی است، در کتابش اجماع نموده است و ابن المنذور نیز گفته است: اتفاق است کسی که صریحاً سبّ پیامبر اکرم (ص) نماید، قتلش واجب است، و خطایی گفته است که وقتی سبّ النبی مسلمان باشد در حکم قتل وی، اختلافی نیست» (عسقلانی، ۱۳۲۵، ۲۳۶).

### ۲- ۳- حکم سبّ النبی از دیدگاه فقهای حنفی

در کتاب شرح فتح القدر آمده است که: «کلّ من ابغض رسول الله (ص) بقلبه کان مرتداً فالسبّ بطریق اولی، ثمّ یقتل حدّاً عندنا، فلا تعمل نوبته فی اسقاط القتل؛ هرکس از صمیم قلب به پیامبر کینه و دشمنی ورزد، مرتد است، پس توهین‌کننده به طریق اولی است و با حدی که برای او تعیین شده است، کشته می‌شود و توبه در صرف نظر کردن از اعدام وی، کارآمد و مؤثر نیست.»

قال ابوحنفیه و اصحابه: «من سبّ النبی (ص) او عابه و کان مسلماً فقد صار مرتداً و ان کان ذمياً عذر و لم یقتل؛ هر کس که به پیامبر اکرم (ص) دشنام دهد، و یا از آن حضرت عیب‌جویی کند

و مسلمان هم باشد، مرتد می‌شود و مجازات مرتد که اعدام است، درباره او اجرا می‌گردد و اگر ذمی - باشد، تعزیر می‌شود» (علم الهدی، ۱۹۷۱، ۲۳۴).

در کتاب نصب الرایه آمده است: «و لنا أن سبّ النبی کفره و موجب القتل؛ سبّ پیامبر (ص) باعث کفر است و موجب قتل» (زینلی، ۱۳۶۹، ج ۴، ۳۴۱).

در شرح فتح القدر آمده است: «کسی که از صمیم قلب به پیامبر (ص) دشمنی بورزد مرتد است، پس توهین‌کننده به طریق اولی است و با حدی که برای او تعیین شده کشته می‌شود و توبه در صرف نظر کردن از اعدام وی کارآمد نیست» (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۲۱۱).

### ۳-۳ - حکم سابّ النبی از دیدگاه فقهای مالکی

مالک گفته است: «هر مسلمانی که خداوند و پیامبر را سبّ نماید، کشته می‌شود و توبه داده نمی‌گردد و هم‌چنین کسی که پیامبر را عیب نماید» (ابن ادریس، بی تا، ۱۲).

در التفریغ آمده است: «کسی که خداوند و پیامبرش (ص) را سبّ نماید، چه مسلمان باشد چه کافر، به قتل می‌رسد و توبه داده نمی‌شود» (القرآنی، بی تا، ج ۱۳، ۱۸).

### ۳-۴ - حکم سابّ النبی از دیدگاه فقهای حنبلی

در الروض المربع شرح الزاد المستریع آمده است: «در دنیا توبه کسی که به خداوند و رسولش (ص) صراحتاً ناسزا بگوید قبول نمی‌شود، بلکه به هر حال کشته می‌شود.» (البحرینی الحنبلی، بی تا، ۵۶۲).

الشربینی، آن چه را که باعث قطع اسلام می‌شود چنین ذکر کرده است: «اذا سبّ نبیا او استخفّ به او باسمه او باسم الله او بامرہ و او وعده اگر پیامبر (ص) را دشنام دهد یا اسمشان یا اسم خدا یا دستوراتشان یا وعده‌هایشان را به تمسخر بگیرد» (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۲۱۱).

در عمده الفقه آمده است: «و من الرد عن الاسلام من الرجل والنساء و جب قتله، لقول رسول الله (ص) و من بدل دنیه قاتلوه و لا یقتل حتی تستتاب ثلاثاً فان تاب و الا قتل با السیف و من حجدالله او جعل له شریکاً و صاحبه او ولداً او بسه او کذب رسله ان سبه فقد ارتده؛ کسی که مرتد شود، مرد یا زن واجب است کشته شود، چون پیامبر (ص) فرمود: کسی که دینش را تبدیل نماید باید او را به قتل رسانید و کشته نمی‌شود، مگر این که سه بار توبه به او عرضه شود، اگر توبه کرد و الا کشته می‌شود، با شمشیر و کسی که خداوند را انکار کند یا شریک یا مصاحب یا فرزندی برای وی قائل شود، یا سبّ کند او را یا پیامبرش (ص)، مرتد است» (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۵۵۱).

در المقنع آمده است: «درباره کسی که چند مرتبه مرتد شود، یا به خداوند و رسولش (ص) ناسزا گوید دو قول است: توبه اش قبول نمی‌شود و به هر حال کشته می‌گردد. توبه‌اش پذیرفته می‌شود».

#### ۴- حکم سبّ سایر انبیا

آن چه از تتبع و تحقیق و پژوهش در اقوال و فتاوی مذاهب اربعه به دست می‌آید، این است که خیلی به بحث در رابطه به مجازات سبّ سایر انبیا الهی نپرداخته‌اند. بنابراین، فقط به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

رافعی دشنام دادن یا تحقیر کردن پیامبری از پیامبران را موجب ارتداد فرد می‌داند و در فقه المنهجه نیز همین سخن آمده و می‌نویسد: هر که به دین خدا، یا یکی از انبیا توهین کند، مرتد است (علیان امینی، ۱۴۲۹، ۲۱۱).

این تیمیه بیان می‌دارد: «و الحكم في سبّ سایر الانبیا كالحكم في سبّ نبينا (ع)؛ حکم کسی که ناسزا به سایر پیامبران (ع) بگوید، مانند حکم سبّ پیامبر است. پس اگر شخصی، احدی از پیامبران مذکور در قرآن یا آنان که موصوف به نبوت هستند، با علم به این که پیامبر می‌باشند، سبّ نماید، حکم سبّ به پیامبر اکرم (ص) را دارد. چون ایمان به آنان به صورت عموم واجب است و سبّ آن‌ها کفر و ارتداد است» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۱۰۴۸).

در کتاب حاشیه الخرشى آمده است: «من سبّ اى شتم نبياً مجمعاً على نبوته بقرآن او نحوه مفاى معناه ... يقتل» (الخرشى، بی تا، ۲۶۸).

#### ۵- حکم سبّ الملائکه

در کتاب حاشیه الخرشى آمده است: «و ان سبّ نبياً او ملكاً...؛ یعنی سبّ به انبیا و ملائکه موجب قتل است» (الخرشى، بی تا، ۲۶۸).

در کتاب حاشیه رد المختار آمده: «و ان شتم الملائکه کلا نبیا؛ اگر کسی احدی از انبیا یا ملائکه سبّ نماید کافر می‌شود و باعث ارتداد می‌گردد. اگر توبه نمود رها والا کشته می‌شود» (احمدی کنگانی، ۱۳۸۳، ۴۷۷).

#### ۶- حکم سبّ الاثمه از دیدگاه مذاهب اربعه

فقه‌های مذاهب اربعه در رابطه با توهین به ائمه بحثی نکرده‌اند. چون این مذاهب معتقد به پیروی از امامان چهارده معصوم نیستند، و با تحقیق و پژوهش در روایت‌ها و فتاوی مذاهب اربعه نتیجه گرفتیم، که غیر از سبّ خداوند و پیامبر اکرم (ص) و انبیا (ع) و ملائکه و قذف مادر پیامبر (ص) قائل به قتل نسبت به دیگران مثل سبّ الاثمه نیستند و فقط به ذکر صحابه پرداخته‌اند، که یکی از این صحابه، حضرت علی (ع) که یکی از امامان شیعیان می‌باشد، اشاره دارند. برای اهل سنت، سبّ و قذف ائمه معصومین و حضرت زهرا (ع) و افراد عادى یکسان است.



## ۷- حکم سبّ الصحابه از دیدگاه مذاهب اربعه

در کتاب «دیدگاه اهل سنت در مورد اصحاب» نوشته شده است که: «هیچ شکی نیست که کسی که کفر یا فسق را به برخی یا تمام اصحاب نسبت دهد، کافر می‌شود و کشته می‌شود» (الوهیبی، بی تا، ۴۸).

امام محمد بن عبدالوهاب درباره کسانی که سبّ اصحاب را جایز دانسته‌اند چنین می‌گوید: «هر کس بعضی از اصحاب را که فضیلت و کمالات آنان به حد تواتر رسیده است، مانند خلفای راشدین، مستحق سبّ و دشنام بداند، کافر می‌شود، چون چیزی را تکذیب کرده است، که از پیامبر (ص) به طور قطع ثابت شده است و تکذیب‌کنندگان آنان کافر می‌شوند، و اگر آنان را دشنام دهد، منتها معتقد نباشد که سبّ و دشنام آنان حق و مباح می‌باشد، فاسق خواهد گشت، چون سبّ و دشنام دادن مسلمان موجب فسق است، ولی برخی از علما می‌گویند که، هر کس شیخین را دشنام دهد، بدون هر شرطی کافر می‌شود» (الوهیبی، بی تا، ۶۲).

مالک می‌گوید: «هر کس به ابوبکر و عمر دشنام دهد، باید تازیانه زده شود و هر کس به عایشه دشنام دهد، باید کشته شود. به او گفته شد: چرا در مورد عایشه باید کشته شود؟ جواب داد: زیرا خداوند در مورد او فرموده است: «یعظکم الله ان تعود و المثلله ابدأ ان کنتم مومنین. خداوند سبحان شما را اندرز می‌دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید، اگر ایمان دارید» (الامام، ۱۴۳۰، ۷۶).

قاضی عیاض در این خصوص می‌گوید: «دشنام دادن به خاندان پیامبر (ص) و همسرانش و یارانش و معیوب کردن آن‌ها کار حرامی است و انجام دهنده‌اش ملعون است» (الامام، ۱۴۳۰، ۷۶).

ابوزرعه می‌گوید: «هر گاه کسی را دیدی که بر یکی از اصحاب پیامبر عیب گرفت، پس بدان که او زندیق است؛ زیرا پیامبر (ص) و قرآن، و آن چه آورده و بیان کرده است، و همه این حقایق را اصحاب پیامبر برای ما بیان کرده، و به دست ما رسانده‌اند. دیگران می‌خواهند با جریحه‌دار کردن شاهدان ما، کتاب خدا و سنت پیامبرش (ص) را باطل جلوه دهند. آن که شایسته جرح است، چنین افرادی هستند، نه یاران پیامبر (ص) و چنین افرادی زندیق هستند» (الامام، ۱۴۳۰، ۷۷).

ابو محمد بن ابی زید از سحنون روایت کرده که بیان داشته است: «هر کس در مورد ابوبکر و عمر و عثمان و علی بگوید، که آنان بر گمراهی و کفر بوده‌اند، کشته می‌شود و اگر غیر از آنان از صحابه را به چنین چیزی متهم کند، بزرگ‌ترین عقوبت را داده می‌شوند.» (الامام، ۱۴۳۰، ۵۴).

### نتیجه گیری

توهین به مقدسات در کلیه مذاهب اسلامی از شناخت شدیدی برخوردار است به طوری که کلیه کسانی که مرتکب توهین به مقدسات اعم از امامیه و عامه می‌گردند نه تنها از منظر حکومت بلکه از دیدگاه عموم نیز مورد نفرت و انزجار قرار می‌گیرند. چه این که مقدسات نه تنها در دین مقدس اسلام بلکه در کلیه ادیان الهی مظهر پاکی و رستگاری بوده و توهین به آنها چنانچه کمترین

واکنش و پیامد داشته باشد حداقل مورد انزجار عامه مردم واقع شدن فرد توهین کننده بوده و حسب میزان تأثیرگذاری و شدت و حدت گفتار، نوشتار و عمل توهین آمیز مجازات مرگ را در پی خواهد داشت که نمونه بارز آن در عصر کنونی را می توان توهین سلمان رشدی لعنت الله علیه به ساحت مقدس قرآن کریم بیان نمود. ملاک شناسایی مفهوم سب عرف است؛ یعنی هرچه عرف سب بدانند از نظر شرع نیز سب خواهد بود. در علم فقه به تبیین حکم تکلیفی عمل اهانت به مقدسات، یا سب و احیاناً مجازات سب کننده پرداخته می شود.

### منابع فارسی

- احمدی کنگانی، موسی، (۱۳۸۳)، پژوهشی پیرامون مجازات توهین کننده، به پیامبر (ص) و امامان (ع) از دیدگاه قرآن، سنت و فقهای پنجگانه، تهران، انتشارات عالمه.
- انیس، ابراهیم و همکاران، (۱۳۷۴)، معجم الوسیط، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بصیر، محمدباقر، (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی جرم اهانت به مقدسات در مذاهب خمس، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رهایی، سعید، (۱۳۸۹)، آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل با نگاهی به ره یافت اسلامی، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- عمید، حسن، (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- قدسی، سید ابراهیم؛ کوهیان افضل دهکردی، امین، (۱۳۸۸)، مقدسات و توهین به آن در حقوق کیفری ایران، نشریه مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم.
- معین، محمد، (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مرجانی، سعید، (۱۳۸۶)، بررسی عناصر متشکله جرم (اهانت) مقدسات مذهبی، مجله کانون وکلا، شماره صدونودو هفتم و صدونودونهم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

### عربی

- الامام، احمد علی، (۱۴۳۰.ه.ق)، پژوهشی در عدالت و فضایل اصحاب پیامبر (ص)، مترجم جهانگیر ولدبیگی، پاکستان، مکتبه الاسلامی.
- ابن تیمیة الحرانی، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۰۶.ه.ق)، منهاج السنه النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، بی جا، دارالنشر: مؤسسه قرطبه.
- ابن عابدین، (بی تا)، حاشیه الرد علی المختار، شرح تنویر الاخبار فی فقه الخنیف، بیروت، دارالفکر.

- ابن عبدالبرفری، ابی عمر یوسف ابن عبدالله ابن محمد، (بی تا)، الکافی فی فقه اهل المدینه العالکی، بیروت، چاپ دار الفکر.
- الجزیری، عبدالرحمن و دیگران، (۱۴۱۹ق)، الفقه علی مذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت، بیروت، دارالثقلین.
- الخرشی، محمد ابن عبدالله ابن علی، (بی تا)، حاشیه الخرشی، بی جا، بی نا.
- القرآنی، شهاب الدین احمد ابن ادريس، (بی تا)، الذخیره، بی جا، چاپ دار القرب اسلامی.
- الوهیبی، محمد بن عبدالله، (بی تا)، دیدگاه اهل سنت در مورد اصحاب، مترجم اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی، معاونت مطبوعات و پژوهش‌های علمی وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد عربستان سعودی.
- جمال، عبدالناصر، (بی تا)، موسوعه فی فقه الاسلامی، بی جا، بی نا.
- الحر العاملی، شیخ محمد بن الحسن، (۱۴۰۱ق)، وسایل الشیعه، تهران، انتشارات مکتبه الاسلامیه.
- زرکشی المصری حنبلی، شمس الدین محمد ابن عبدالله، (بی تا)، شرح زرکشی، چاپ بیروت، بی نا.
- زینلی، جمال الدین، (۱۳۶۹ق)، نصب الرایه الاحادیث الهدایه، بی جا، بی نا.
- عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی بن حجر، (۱۳۲۵)، تهذیب التهذیب، حیدرآباد، بی نا.
- علامه حلّی، ابن ادريس، (بی تا)، قواعد الاحکام، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم.
- علم الهدی، سید مرتضی، (۱۹۷۱م)، الانتصار، النجف الاشرف، منشورات مطبعه الحیدریه.
- علیان امینی، حسین، (۱۴۲۹ق)، موسوعه احکام المرئد فی الشریعه الاسلامیه، مرکز العلوم والثقافه الاسلامیه.
- قرضاوی، یوسف، (۱۳۸۴)، دیدگاه های فقهی معاصر، ترجمه: احمد نعمتی، بی جا، نشر احسان.
- منصور ابن یونس البحرینی الحنبلی، (بی تا)، الروض المربع شرح زاد المستضع، بیروت، دار الجیل